Archive of SID.ir

Quarterly Journal of Islamic Finance Researches
Vol. 12, No. 2 (Serial 24), Winter 2023

Research Paper

Identification and Ranking of Jurisprudential-Legal and Economic-Financial Challenges and Harms of Private Sector Banking in the Banking Network of the Islamic Republic of Iran

Mohammad Hossein Shariatinia* **Mohammad Hossein Qavam****

10.30497/ifr.2022.242166.1681

Abstract

This study tries to explain and criticize the presence of private banks in the developing money market ecosystem of a developing country such as the Islamic Republic of Iran, while explaining all aspects of private sector banking in its theoretical foundations. For this purpose, first the jurisprudential-legal challenges and economic-financial challenges and damages of private banks have been extracted by using analytical and survey methods. Then, with the aim of final approval and ranking of challenges, the three-stage Delphi method will be used. In the first and second rounds of the Delphi technique, the binomial test is used to ensure the final confirmation of the challenges and injuries identified by the experts, and in the third round of Delphi, the Friedman ranking test is used to rank the approved challenges. The findings of this study show that "the lack of attention of the regulator and legislator in the money market to the needs of the private sector in the banking industry" and “the dubious nature of regulation veracity”, “Darar & al-Tasbib”(prohibition of inflicting direct or indirect damage) in the case of private banks’ overdraft”, are considered as the most important jurisprudential-legal challenges in the view of the country's banking experts. Also, "inefficiency in resource allocation" is the most important economic-financial damage of private sector banking in the Iranian money market, which has an important role in imposing imbalance and loss on the country's banking network. Among the recommended guidelines for decreasing the above-mentioned harms are as follows: launching a comprehensive dynamic supervisory system for credit allocation, devising overdraft-related formula, revising the executive order for privatization exigencies, and adopting credit and tax policies for justifying the economic condition of any banking activity of the private sector.

Keywords

Private Banking Challenges; Inefficiency in Resource Allocation; Overdraft of Private Banks; Regulation of Private Banks in Emerging Money Markets; Legal Challenges of Private Banks. JEL Classification: E58, G21, K10, O23.

---

* PhD. Student, Financial Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author). mh.shariaty.nia@isu.ac.ir 0001-0001-7014-6564

** Assistant Professor, Department of Financial Management, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.
ghavam@isu.ac.ir 0001-0001-5556-7846

Recived: 2021/11/15 Accepted: 2022/02/06

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فصلنامه علمی «تحقیقات مالی اسلامی»، سال دوازدهم، شماره دوم (پیاپی ۲۴)، زمستان ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، صص. ۳۰۹-۳۴۴

شناسایی و رتبه‌بندی چالش‌ها و آسیب‌های فقهی- حقوقی و اقتصادی- مالی بانکداری بخش خصوصی در شبکه بانکی جمهوری اسلامی ایران

محمدحسین شریعتی‌نیا* محمدحسین قوام**

چکیده

مقاله حاضر تلاش می‌کند تا ضمن تبیین همه ابعاد بانکداری بخش خصوصی در مبانی نظری، حضور بانک‌های خصوصی را در اکوسیستم بازار پولِ کشور درحال‌توسعه‌ای چون جمهوری اسلامی ایران، مورد آسیب‌شناسی و نقد قرار دهد. بدین‌منظور ابتدا چالش‌های فقهی- حقوقی و چالش‌ها و آسیب‌های اقتصادی- مالی بانک‌های خصوصی با بهره‌گیری از روش‌های تحلیلی و پیمایشی استخراج‌شده؛ سپس باهدف تأیید نهایی و رتبه‌بندی چالش‌ها از روش دلفی سه‌مرحله‌ای استفاده خواهد شد. در دورهای اول و دوم روش دلفی جهت اطمینان از تأیید نهایی چالش‌ها و آسیب‌های شناسایی‌شده توسط خبرگان از آزمون آماری دوجمله‌ای استفاده نموده و در دور سوم دلفی برای رتبه‌بندی چالش‌های تأییدشده از آزمون رتبه‌بندی فریدمن بهره خواهیم برد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که «عدم توجه نهاد ناظر و قانون‌گذار در بازار پول به اقتضائات بخش خصوصی در صنعت بانکداری» و «شبهه صدق قواعد» «لا ضرر» و «تسبیب» در فقه اسلامی در رابطه با موضوع اضافه برداشت بانک‌های خصوصی از بانک مرکزی به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌های فقهی-حقوقی از دیدگاه خبرگان بانکداری کشور به‌شمار می‌آید؛ همچنین ازنظر کارشناسان خبره صنعت بانکداری «ناکارآمدی در تخصیص منابع» نیز مهم‌ترین آسیب اقتصادی- مالی بانکداری بخش خصوصی در بازار پول ایران بوده که نقش مهمی در ناترازی و تحمیل زیان به شبکه بانکی کشور دارد. راه‌اندازی سامانه جامع نظارت پویا بر فرآیند تخصیص اعتبارات، تدوین دستورالعمل اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی، بازنگری در آیین‌نامه‌های اجرایی مربوطه باهدف تبیین صریح اقتضائات خصوصی‌سازی در نهادهای پولی و بیان تمایزات آن با دیگر بنگاه‌های اقتصادی و به‌کارگیری سیاست‌های اعتباری-مالیاتی جهت موجه و به‌صرفه نمودن فعالیت در صنعت بانکداری برای بخش خصوصی ازجمله پیشنهادها و رهنمودهای سیاستی ارائه‌شده که می‌تواند آسیب‌ها و چالش‌های یادشده را کاهش داده و مدیریت و کنترل نماید.

واژگان کلیدی: بانکداری بخش خصوصی؛ اضافه برداشت شبکه بانکی؛ تخصیص منابع بانکی؛ تسهیلات تکلیفی؛ حکمرانی بازار پول.

---

* دانشجوی دکتری، مدیریت مالی، گروه مدیریت مالی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
mh.shariaty.nia@isu.ac.ir
** استادیار، گروه مدیریت مالی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران
ghavam@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۷
مقاله برای اصلاحات ۱۰ روز نزد نویسندگان بوده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

پس از شهرت و مقبولیت نظریات اقتصاددانان نئوکلاسیک در رابطه با لزوم کاهش دخالت‌های دولت در اقتصاد و حرکت به سمت بازار رقابت کامل به‌عنوان پیش‌نیازی برای رفاه اقتصادی، خصوصی‌سازی به‌عنوان یک راهبرد برای نیل به این هدف ضروری و مهم موردتوجه قرار گرفت. خصوصی‌سازی نخستین بار در سال ۱۹۸۳ میلادی در فرهنگ لغت «وبستر» به این صورت تعریف شد: «خصوصی‌سازی، تغییر یا کنترل مالکیت از سیستم دولتی به سیستم خصوصی است؛ بنابراین اهداف خصوصی‌سازیِ بنگاه‌های اقتصادی را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی نمود: اهدافی چون رقابتی‌کردن اقتصاد، بهبود بهره‌وری، مقررات زدایی و درنهایت افزایش رشد و توسعه اقتصادی جزء اهداف اولیه خصوصی‌سازی محسوب شده و مواردی چون مردمی‌سازی و افزایش مشارکت مردم در اقتصاد ملی، رشد خلاقیت و روحیه‌ی کارآفرینی عمومی و کاهش هزینه‌های دولت از اهداف ثانویه خصوصی‌سازی به‌شمار می‌آید (خوراکیان و تک‌روستا، ۱۳۹۳).

از طرف دیگر دوگانه‌ی «عدالت» و «توسعه» در کشورهای درحال‌توسعه به بحث چالش‌برانگیزی در حوزه خصوصی‌سازی تبدیل شده است. بدیهی است رفاهی که در نتیجه رشد اقتصادی به دنبال آن هستیم بدون توزیع متعادل ثروت در همه سطوح جامعه امکان تحقق ندارد؛ لذا باید به مفهوم عدالت به‌عنوان پیوست اجتماعی توسعه اقتصادی در رابطه با خصوصی‌سازی‌ها توجه ویژه شود. در غیراین‌صورت شاهد شکست طرح‌های خصوصی‌سازی در میان‌مدت و بلندمدت خواهیم بود؛ بنابراین حتی اگر به دنبال حداکثرسازی سود بنگاه‌ها و رشد تولید ناخالص ملی در بلندمدت هستیم باید به ابعاد و شرایط اجتماعی جامعه به‌عنوان پیوستی مهم توجه نماییم؛ به‌طوری‌که حدودوثغور واگذاری‌ها و سازوکار اجرای آن‌ها را مبتنی‌بر همین ابعاد و شرایط تعیین و طراحی کنیم.

امروزه با ورود بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری در صنعت بانکداریِ کشورهای درحال‌توسعه، شاهد ظهور فرصت‌ها و تهدیدهای قابل‌توجهی در اتمسفر بازارِ پول آن‌ها هستیم. مکاتب اقتصادی نظرات یکسانی در رابطه با ماهیت بانک به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی به‌ویژه در کشورهای درحال‌توسعه ندارند؛ این در حالی است که از دیدگاه اقتصاد توسعه، به رسمیت شناختن بانک به‌عنوان یک بنگاه اقتصادی باهدف حداکثرسازی سود می‌تواند منجر به بروز تعارضات منافعی بین عموم مردم (سپرده‌گذاران همین بانک‌ها) و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مالکان بانک‌ها شده و ناکارآمدی‌ها و نارسایی‌هایی را در توزیع متوازن ثروت در جامعه ایجاد نماید؛ بنابراین به‌طور ویژه خصوصی‌سازی بانک‌ها در کشورهای درحال‌توسعه به محل مناقشه دیدگاه‌های اقتصادی متناقض بدل گشته و موافقان و مخالفان آن ادله شایان ذکری در این رابطه مطرح می‌کنند.

دغدغه موافقان خصوصی‌سازی بانک‌ها، ناکارآمدیِ شبکه بانکی در تخصیص منابع و دخالت سیاسیون در بازار اعتبارات با اهداف پوپولیستی است. حقیقت این است که خصوصی‌سازی در دهه‌های اخیر دیگر صرفاً یک مسأله تخصصیِ حقوقی یا قانونی نبود، بلکه عمدتاً به مسأله‌ای سیاسی بدل گشته است (KasperkieWicz & Waclawa, 1988). مشاهده تجربه خصوصی‌سازی صنعت بانکداری در کشور درحال‌توسعه نشان می‌دهد که همواره بانک‌های با مالکیت دولتی در این اقتصادها به دلیل استفاده از منابع و اعتبارات خود به‌منظور تحقق اهداف سیاسی- اجتماعی با بحران‌های حادی روبه‌رو بوده‌اند (Nakane & Weintraub, 2005). مالکیت دولت همواره فرصت‌هایی را برای سیاسی شدن بانک‌ها و تخصیص ناموجه اعتبار و تحمیل تسهیلات تکلیفی به بازار اعتبارات به‌وجود می‌آورد؛ همچنین می‌تواند منجر به کژمنشی[1] به دلیل افزایش احتمال حمایت‌های دولتی شود (Moore & Zajc, 2000). در جمع‌بندی درباره اینکه «چرا مالکیت دولتی به‌طور ذاتی از کارایی کمتری نسبت به مالکیت خصوصی، حتی در فرض مالک دولتی خیرخواه، برخوردار است؟» گفته شده که مدیران دولتی انگیزه‌های کمتر یا انگیزه‌های نامطلوب بیشتری نسبت به مدیران بخش‌های خصوصی دارند؛ ازاین‌رو، جدیت کمتری نسبت به حداکثرسازی درآمدها، به‌ویژه حداقل سازی هزینه‌ها دارند. علاوه‌براین، بخش دولتی در معرض نظارت متمرکز کمتری از طرف مالکان قرار دارد و نکته سوم در مورد مواجه بخش دولتی با محدودیت‌های مالی است (باقری و سفیداری، ۱۳۹۱).

از طرف دیگر منتقدان به بانکداری بخش خصوصی و دخالت دادن ذی‌نفعان حقیقی در حکمرانی نهادهای پولی بر این باورند که مالکیت دولتی بانک‌ها راهی برای اطمینان از تعادل میان اهداف اجتماعی و اقتصادی به‌جای تمرکز صرف بر حداکثرسازی سود بوده و نیز پاسخی به شکست‌های بازار به‌ویژه در چالش‌های درگیر با کارایی بازار به‌وسیله انحصار طبیعی و روشی برای درونی کردن آثار خارجی است (لشکری و هژبرالساداتی،

1. Moral Hazard

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱۳۸۹). تحمیل هزینه‌های عمومی به جامعه به‌صورت بحران‌های اعتباری و تأثیرگذاری مستقیم بر بازار پول و اعتبارات نیز ازجمله مواضع نقدی است که اقتصاددانان در رابطه با خصوصی شدن بانک‌ها و نهادهای پولی مطرح می‌کنند. حوادث اخیر در نظام بانکی آمریکا و برخی کشورهای دیگر که موجب پیدایش بحران مالی فراگیر و جهانی شد، عیوب ذاتی نظام بانکداری خصوصی را نشان داد و به ملی کردن بانک‌های متعددی در اروپا و آمریکا منجر شد؛ به‌عنوان‌مثال پرداخت وام‌های مسکن توسط بانک‌های خصوصی که موجبات افزایش نقدینگی و رونق مرحله‌ای را در اقتصاد آمریکا پدید آورد، اما عواقب و مخاطرات آن نه‌تنها برای اقتصاد آمریکا مخاطره‌آمیز بود، بلکه پیامدهای اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی را نیز به‌وجود آورد (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۸). حتی در کشورهای توسعه‌یافته باوجود موارد بسیار خصوصی‌سازی بانک‌ها، بانک‌های دولتی هنوز نقش محوری را در نظام مالی اکثر کشورها برعهده دارد؛ زیرا بانک و بانکداری به‌طور ذاتی جزء بخش‌ها و اعمال مهمی است که باید تحت کنترل دولت باشد (Andrews, 2005).

در این مقاله برآنیم که ابتدا با روش‌های تحلیلی و پیمایشی چالش‌های فقهی-اقتصادی مالکیت خصوصی در بانک‌های جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک کشور درحال‌توسعه را شناسایی و استخراج کرده و سپس با استفاده از روش دلفی چالش‌های احصا شده را مبتنی‌بر نظرات خبرگان تأیید و سپس رتبه‌بندی کنیم. شایان ذکر است که مقصود محققان در این پژوهش بیشتر آن دسته از آسیب‌ها و چالش‌هایی است که حضور بخش خصوصی به‌عنوان مالک در صنعت بانکداری و نحوه تعامل بانک مرکزی و نهادهای سیاست‌گذار با آن‌ها فی‌نفسه ایجاد می‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر در این پژوهش محققان از چالش‌های عمومی صنعت بانکداری که دارای علل برون‌زا بوده و به سیاست‌ها و شرایط کلانِ اقتصادی مربوط است صرف‌نظر نموده‌اند.

۱. پیشینه تحقیق

شاهچراغ (۱۳۹۹) در بخشی از پایان‌نامه خود با عنوان «الزامات استفاده از سیاست هدایت اعتبار از منظر فقهی و مالی در نظام پولی و بانکی جمهوری اسلامی ایران»، به بیان مدارک و مستنداتی از شکست سیاست بازار در تخصیص اعتبارات و همچنین عمومی بودن حق خلق پول پرداخته و با ارائه دلایلی پیش‌بینی می‌کند خصوصی‌سازی و سازوکار بازار در سیستم بانکی منجر به نفع اجتماعی نخواهد شد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کریمی وردنجانی، حسن‌زاده سروستانی، قوام و غفاری (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده بنگاه‌داری در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران و تبیین پیامدهای حاصل از آن»، به این واقعیت می‌پردازند که سرنوشت بانک‌های خصوصی به بنگاه‌داری و اجرای طرح‌های بزرگ و میل به گسترش آن‌ها گره‌خورده است؛ بنابراین راهکارهای پیشنهادی خود را نیز با توجه به این واقعیت تنظیم و ارائه می‌کنند.

حیدری و فاطمی ورزنه (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی عملکرد مالی بانک‌های خصوصی شده جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با بانک‌های اسلامی منتخب حوزه خلیج‌فارس»، با روش توصیفی- تحلیلی به مقایسه تطبیقی بانک‌های اسلامی بین‌المللی با بانک‌های خصوصی شده جمهوری اسلامی ایران می‌پردازند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد وضعیت بانک‌های خصوصی ایران ازنظر شاخص‌هایی چون کیفیت مدیریت، کفایت سرمایه و ریسک‌های اعتباری رضایت‌بخش نیست.

شهیکی‌تاش و آب‌یاری (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه کارایی بانک‌های واگذار شده در قالب اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قبل و بعد از واگذاری»، با مطالعه آماری مبتنی‌بر روش تحلیل پوششی داده‌ها ثابت می‌کند که بعد از انجام فرآیند خصوصی‌سازی کارایی مدیریتی بانک‌های خصوصی در حوزه درآمدی و ارزش‌افزوده به ترتیب کاهش و افزایش می‌یابد.

خوارکیان و تک‌روستا (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی علل شکست خصوصی‌سازی در میان نهادهای مالی با توجه به الگوهای توسعه سازمانی»، به بررسی رابطه محورهای اصلی توسعه‌سازمانی (ابعاد هفت‌گانه مدل بورک- لیتوین) با موفقیت در خصوصی‌سازی نهادهای مالی می‌پردازند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نحوه مدیریت و انگیزه مدیران بیشترین تأثیر در موفقیت خصوصی‌سازی نهادهای یاد شده خواهد داشت.

باقری و سفیداری (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «فرآیند گذار بانک‌ها از مالکیت دولتی به خصوصی با نظر به دلایل طرفداران دولتی و خصوصی بودن مالکیت در بانک‌ها»، به بررسی نقاط مثبت و منفی مالکیت دولت و بخش خصوصی در صنعت بانکداری پرداخته و الزامات و ملاحظات مطرح در فرآیند خصوصی‌سازی بانک‌ها را به‌صورت طبقه‌بندی شده ارائه می‌دهند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

رایان کالینز، گرینهام، ورنر و جکسون[۲] (۲۰۱۱م) در اثر مقاله‌ای با عنوان «پول از کجا می‌آید؟ یک راهنما برای سیاست پولی و سیستم بانکی انگلستان»، به بیان این نکته می‌پردازد که تجربه تاریخی کشورها ثابت کرده است که با توجه به حقیقتی چون نفع خصوصی بانکدار، بانک‌ها (به‌ویژه بانک‌های خصوصی) همواره تمایلی دائمی به بخش‌های مولد و شبه سوداگرانه دارند.

بونین، حسن و واچتل[۳] (۲۰۰۴م) در اثر «مسائل خصوصی‌سازی؛ موردمطالعه کارایی بانک‌ها در کشورهای درحال‌توسعه»، به بررسی شرایط و ملزومات موردنیازِ خصوصی‌سازی شبکه بانکی برای عدم‌مواجهه با بحران کارایی بعد از واگذاری در کشورهای درحال‌توسعه می‌پردازند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که وجود سرمایه‌گذاران خارجی به‌عنوان سهامداران بخش خصوصی یک بانک می‌تواند نقش مؤثری در کاهش نارسایی‌ها و سوءمدیریت‌ها پس از انجام واگذاری داشته؛ به‌طوری‌که حتی آن را به‌عنوان یکی از شرایط ضروری برای موفقیت خصوصی‌سازی بانک‌ها در کشورهای درحال‌توسعه معرفی می‌کنند.

توضیح در رابطه با نوآوری پژوهش کنونی اینکه اثر حاضر علاوه‌بر نگاه فقهی- حقوقی نوینی که به موضوع دارد، کلیه‌ی چالش‌های اقتصادی- مالی مربوط به بانک‌های خصوصی در فضای بازار پول ایران را در قالب گزارش یک کار پیمایشی به مخاطب ارائه می‌کند. همچنین در پژوهش حاضر پژوهشگران بیشتر با نگاه سیاست‌گذاری به موضوعات پرداخته و از تبیین چالش‌های پیش‌فرض و عمومیِ بازار پول همچون ضعف نظارت بانک مرکزی و عدم‌ثبات شاخص‌های کلان اقتصادی صرف‌نظر نموده‌اند.

۲. مبانی نظری

۲-۱. تجربه بانکداری خصوصی در جمهوری اسلامی ایران

بنابر اطلاعات موجود در وبگاه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، از بین ۲۶ بانک موجود در شبکه بانکی ایران، ۸ بانک دولتی و ۱۸ بانک غیردولتی است. بانک‌های غیردولتی را نیز به اعتبار ترکیب سهامداران می‌توان به چند دسته طبقه‌بندی نمود[۴]:

2. Ryan-Collins, Greenham, Werner & Jackson
3. Bonin, Hasan & Wachtel
۴. این دسته‌بندی بدون عنایت به طرح ادغام بانک‌های نظامی در بانک سپه در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ بوده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

- ✓ گروه نخست آن دسته از بانک‌های دولتی هستند که پس فراهم شدن مقدمات قانونی لازم فرآیند خصوصی‌سازی را طی دو دهه گذشته سپری‌کرده و بخشی از سهام خود را واگذار نموده‌اند. بانک‌های یادشده باوجود خصوصی‌سازی‌های صورت گرفته، با توجه به در اختیار داشتن اکثریت سهام به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم، ازنظر حاکمیت شرکتی کماکان با مدیریت مستقیم دولت اداره می‌شوند؛ هرچند که ذیل بانک‌های غیردولتی دسته‌بندی شوند. بانک‌های ملت، تجارت، صادرات و رفاه ازجمله این بانک‌ها هستند.
- ✓ گروه دوم آن دسته از بانک‌های خصوصی هستند که اکثریت سهام و مدیریت آن‌ها در اختیار نهادهای عمومی غیردولتی چون ستاد اجرایی فرمان امام خمینی(ره)، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان تأمین اجتماعی، صندوق‌های بازنشستگی، شهرداری‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری تابعه نهادهای دولتی و کارمندان آن‌ها است. بانک‌های یادشده گرچه غیردولتی به‌شمار می‌آیند، اما کماکان توسط نهادهای عمومی اداره شده و به نحوی شاهد الگوهای حکمرانی مشابهی با بانک‌های دولتی در مجموعه این بانک‌ها هستیم. بانک‌های پاسارگاد، شهر، دی، سرمایه و پارسیان ازجمله این بانک‌ها هستند.
- ✓ گروه سوم اما آن دسته از بانک‌های خصوصی هستند که در ترکیب سهامداران عمده و در نتیجه هیأت مدیره آن‌ها بخش خصوصی حضورداشته و در مدیریت و تصمیم‌گیری نقش اساسی دارد. در این گروه شاهد حاکم شدن نگاه بخش خصوصی واقعی بر مدیریت بانک‌ها هستیم؛ به‌طوری‌که این موضوع خود را در تفاوت معنادار راهبردهای بانک نسبت به دو گروه قبل با محوریت حداکثرسازی سود اقتصادی نشان می‌دهد. بانک‌های سامان، آینده، خاورمیانه و اقتصادنوین ازجمله این بانک‌ها هستند.[۵]

۲-۲. مبانی قانونی

پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، اهمیتِ ابعاد اقتصاد دولتی، تعاونی و خصوصی و نیز حدودوثغور هریک از آن‌ها در نظر سیاست‌گزار، منجر به اختصاص یک

---

۵. مجموعه اطلاعات ارائه شده از شبکه بانکی و ترکیب سهامداری و مدیریت بانک‌ها در این قسمت از مقاله با اقتباس از اطلاعات موجود در سه وبگاه https://cbi.ir/، https://www.codal.ir/ و http://www.tsetmc.com/ در تابستان سال ۱۴۰۰ بوده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اصل راهبردیِ قانون اساسی (اصل ۴۴) به این موضوع گردید. بنابر متن اصل ۴۴ قانون اساسی «بخش دولتی اقتصاد ایران شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آب‌رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند این‌ها است»؛ که به‌صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت بود.

در دهه ۷۰ شمسی هم‌زمان با توسعه اقتصادی کشور و نیز بروز برخی ناکارآمدی‌ها در حکمرانی شرکتی دولت، مجمع تشخیص مصلحت نظام واگذاری بخشی از صنایع و شرکت‌های راهبردی دولت را مطابق مصلحت دانسته و رهبری انقلاب اسلامی نهایتاً در خردادماه ۱۳۸۴ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را – به‌عنوان تفسیریه جدید این اصل مهم قانون اساسی – ابلاغ کردند. بنابر بند ۳ ماده «الف» سیاست‌های ابلاغی مربوطه، زمینه «بانکداری توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های تعاونی سهامی عام و شرکت‌های سهامی عام مشروط به تعیین سقف سهام هریک از سهامداران با تصویب قانون» فراهم گردید. از طرفی با توجه به «قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیردولتی» مصوب فروردین‌ماه ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی، بازار پول و اعتبارات ایران برای نخستین‌بار پس از انقلاب اسلامی، اوایل دهه هشتاد شمسی، شاهد پدیده‌هایی چون تأسیس بانک‌های غیردولتی و خصوصی‌سازی بانک‌های بزرگ دولتی بوده است. بنابر متن قانون مصوب مجلس شورای اسلامی «به‌منظور افزایش شرایط رقابتی در بازارهای مالی و تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و ایجاد زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور و جلوگیری از ضرر و زیان جامعه» اجازه تأسیس بانک توسط بخش غیردولتی از طرف نهاد قانون‌گذار داده شده و بخش خصوصی می‌تواند با پذیرش شرط حاکمیت و نظارت دولت در فضای بازار پول به تأسیس بانک‌های تجاری بپردازد[۶].

حال سؤال اصلی این است که با توجه به اهدافی که چه در سیاست‌های کلی اصل ۴۴ ابلاغی مقام معظم رهبری و چه در رابطه با قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیردولتی مصوب مجلس شورای اسلامی صراحتاً مطرح‌شده، امروزه بانک‌های غیردولتی و خصوصی‌سازی شده ایران در پیشبرد این اهداف موفق بوده‌اند؟ و اگر در این راستا شاهد

---

۶. برگرفته از وبگاه رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به نشانی https://rc.majlis.ir/fa

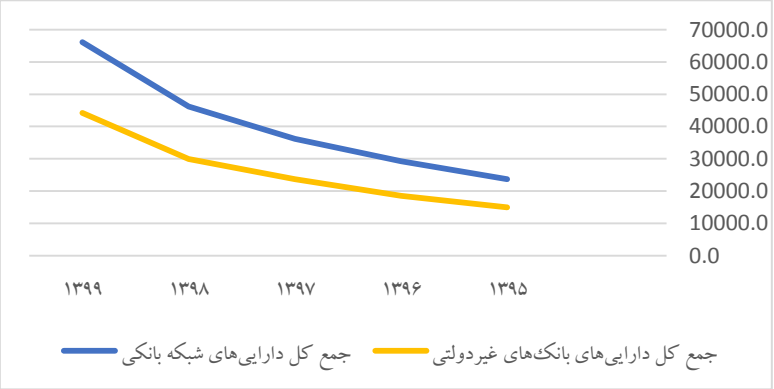
Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نارسایی‌ها و ناکارآمدی‌های قابل‌توجهی بوده‌ایم، چالش‌های اساسی که مانع موفقیت و کارآمدی قوانین و سیاست‌های یادشده به‌حساب می‌آیند، کدام هستند؟

۲-۳. آمار و ارقام

پس از گذشت حدود دو دهه از تأسیس بانک‌های متعدد خصوصی، امروزه بخش قابل‌توجهی از اعداد مندرج در ترازنامه و صورت سودوزیان کل شبکه بانکی مرهون بانک‌های غیردولتی است؛ به‌طوری‌که بنابر آخرین آمار منتشره توسط دایره آمارهای پولی بانک مرکزی از ۶۶۱۱۵/۳ هزار میلیارد ریال دارایی کل شبکه بانکی در انتهای سال ۱۳۹۹ بالغبر ۴۴۱۶۹/۶ هزار میلیارد ریال (بیش از ۶۵٪ کل دارایی‌ها) متعلق به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی است. در نمودار (۱) روند ۵ ساله جمع دارایی‌های شبکه بانکی و بانک‌های غیردولتی قابل مشاهده است.



نمودار (۱): جمع کل دارایی‌ها (ارقام به ۱۰۰۰ میلیارد ریال)
منبع: (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۹)

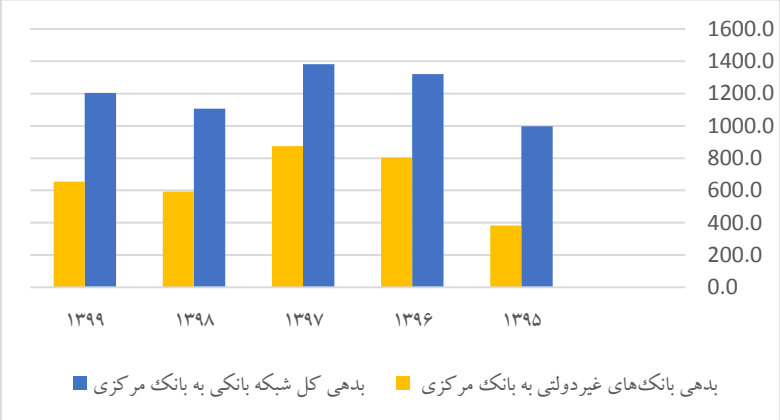
نکته‌ای که از اهمیت بسیار بالاتری برخوردار است حجم بالای بدهی بانک‌های غیردولتی به بانک مرکزی است. اضافه برداشت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی که آثار آن در سطح اقتصاد کلان و در قالب تورم برای کل جامعه نمایان می‌شود، درصد قابل‌توجهی از حجم کل بدهی‌های شبکه بانکی به بانک مرکزی را تشکیل می‌دهد؛

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

به‌طوری‌که تا انتهای سال ۱۳۹۹ بالغبر ۵۴٪ کل بدهی‌های شبکه بانکی به بانک مرکزی مربوط به بانک‌های غیردولتی بوده است.

گرچه تاکنون آمار و اطلاعات دقیقی در رابطه با حجم اضافه برداشت هریک از بانک‌ها به‌صورت تفصیلی توسط بانک مرکزی ارائه نشده است، اما حجم کل بدهی شبکه بانکی و بانک‌های غیردولتی به بانک مرکزی به‌صورت تجمیعی طی ۵ ساله آخر دهه نود شمسی در نمودار (۲) ارائه شده است[۷].



نمودار (۲): جمع کل اضافه‌برداشت‌ها (ارقام به ۱۰۰۰ میلیارد ریال)
منبع: (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۹)

همچنین در رابطه با کارایی بانک‌ها در تجهیز و تخصیص منابع، مطالعات نشان می‌دهد که در مقایسه میانگین کارایی مدیریتی بانک‌های دولتی و خصوصی، بانک‌های دولتی در تخصیص کارایی بالاتری داشته و بانک‌های خصوصی در تجهیز منابع موفق‌تر عمل کرده‌اند (شهیکی‌تاش و آب‌یاری، ۱۳۹۵).

شایان ذکر است تعلق بالاترین ضریب جذب نقدینگی به بانک آینده و نیز بیشترین نسبت مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات به بانک سرمایه به‌عنوان دو بانک غیردولتی را می‌توان به‌عنوان مصادیق تأییدکننده مطالعه‌ی فوق به‌شمار آورد.

---

۷. کلیه اطلاعات و مستندات این بخش با اقتباس از گزارشات و آمارهای اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی به نشانی https://tsd.cbi.ir/display/content.aspx ارائه شده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳. شناسایی و استخراج چالش‌های اقتصادی بانک‌های خصوصی در ایران

۳-۱. ناکارآمدی در تخصیص منابع

مطالعات مشابه حاکی از آن است که خصوصی‌سازی بانک‌ها همیشه منجر به افزایش کارآمدی آن‌ها نمی‌شود. اگر سری در کارآمدیِ اقتصادِ بخش خصوصی وجود دارد، این سر در مالکیت خصوصی صرف نیست؛ بلکه در رقابت است (مرادی، ۱۳۸۸). از طرفی اتحاد منافع سهامداران و مدیران بانک‌های خصوصی با شرکت‌ها و طرح‌هایی که داوطلب استفاده از تسهیلات بانک هستند می‌تواند مهم‌ترین تهدید برای خدشه‌دار نمودن رقابت سالم در جذب تسهیلات بانک و در نتیجه کارآمدی در نظام تخصیص منابع آن شمرده شود. طبعاً ترتیب اثر اتحاد منافع سهامداران در حاکمیت شرکتی بانک و تصمیمات کمیته اعتبارات آن در بانک‌های خصوصی بسیار بیشتر از بانک‌های دولتی است. این چالش در کشورهای درحال‌توسعه و نیز کشورهایی با بازار اعتبارات ضعیف آثار منفی قابل‌توجهی بر اقتصاد می‌گذارد. به‌عنوان‌مثال خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی معمولاً اثر خود را در رشد اقتصادی – باکمی تأخیر زمانی – نشان‌می‌دهد. درصورتی‌که خصوصی‌سازی بانک منجر به افزایش کارایی به‌ویژه در بخش تخصیص منابع شود، شاهد افزایش تولید و درآمد بنگاه‌های اقتصادی و در نهایت افزایش رشد اقتصادی خواهیم بود. مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد که پس از خصوصی‌سازی بانک‌های دولتی روسیه مقدار وام‌های پرداختی افزایش قابل‌توجهی داشته، اما این خصوصی‌سازی منجر به افزایش رشد اقتصادی نشده است (Berkowitz, Hoekstra & Scoors, 2014). این خود می‌تواند نشان از عدم‌کارایی مناسب بانک‌های خصوصی شده روسیه در فرآیند تخصیص منابع باشد. مطالعاتی که با روش‌های آماری در رابطه کارایی بانک‌های جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته نیز کاهش کارایی بانک‌های خصوصی نسبت به بانک‌های دولتی در تخصیص منابع را اثبات می‌کند. در واقع اگر بانک‌های ایران را به سه دسته دولتی، خصوصی شده و خصوصی تقسیم کنیم، بانک‌های خصوصی اگرچه در تجهیز منابع موفق‌تر از بانک‌های دیگر بوده‌اند، اما ازلحاظ تخصیص منابع نسبت به بانک‌های دو گروه دیگر از کارایی کمتری برخوردارند (شهیکی‌تاش و آب‌یاری، ۱۳۹۵).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۳-۲. عدم تأمین مالی یا سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی و بلندمدت

ورود بخش خصوصی به حوزه تأمین مالی پروژه‌های بزرگ و زمان‌بر دشوار است؛ بنابراین از دیدگاه بسیاری از اقتصاددانان توسعه، خصوصی‌سازی بانک‌ها در کشورهای درحال‌توسعه‌ای که نیاز به تأمین مالی و سرمایه‌گذاری کلان در طرح‌های بزرگ، زمان‌بر و زیرساختی دارند، کارآمد نیست. فاکتور زمان نیز یکی از عواملی است که در سنجش ریسک یک طرح می‌تواند بر ابعاد متنوع ریسک آن همچون ریسک نرخ بهره، ریسک نرخ ارز، ریسک تغییر قوانین و سیاست‌های ناظر و قانون‌گذار و... اثر گذاشته و ریسک طرح را تا حدی افزایش دهد که پذیرش آن برای بخش خصوصی توجیه‌ناپذیر شود[۸].

۳-۳. بنگاه‌داری و فعالیت اقتصادی مستقیم

ورود بیش‌ازحد بانک‌ها به عرصه بنگاه‌داری و تمرکز صرف بر درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها، کارایی آن‌ها را در انجام وظایف اصلی خود یعنی واسطه‌گری منابع و تأمین مالی کاهش داده است، به‌گونه‌ای‌که بانک‌ها رأساً وارد تملک یا سهامداری بنگاه‌های مختلف شده‌اند و با توجه به در اختیار داشتن حجم انبوهی از منابع، خود به رقیبانی بسیار بزرگ برای بنگاه‌های تولیدی به‌ویژه تولیدکنندگان خُرد تبدیل‌شده‌اند و بخش اعظم منابع خود را به شرکت‌های زیرمجموعه اختصاص می‌دهند (کریمی وردنجانی، حسن‌زاده سروستانی، قوام و غفاری، ۱۳۹۹). این مسأله در رابطه با بانک‌های خصوصی با دغدغه‌هایی از جنس حداکثر سازی سود – با تمرکز بر حداکثرسازی سودِ تلفیقی از طریق حداکثرسازی سود زیرمجموعه‌ها – اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ تا جایی که حتی می‌توان چالش بنگاه‌داری بانک‌های خصوصی را یکی از عوامل مهم تخصیص ناکارآمد منابع و ناترازی بانک‌های خصوصی دانست. نکته‌ای که در رابطه با این چالش و سایر چالش‌های اقتصادی شناسایی‌شده در این پژوهش باید به آن اشاره شود این است که عوامل عامی چون نظارت ضعیف بانک مرکزی و بی‌ثباتی شاخص‌ها و نرخ‌های کلان اقتصادی را می‌توان به‌عنوان عوامل عمومی و پیش‌فرض برای همه‌ی چالش‌ها و آسیب‌های یادشده

---

۸. البته باید به این مسأله توجه داشت که اساساً لازم نیست تمامی بانک‌های فعال در بازار پول به طرح‌های بلندمدت و زیرساختی بپردازند، بلکه اساساً انتظاری که در این حوزه از بانک‌های خصوصی وجود دارد بسیار کمتر از بانک‌های توسعه‌ای و دولتی بزرگ است. ذکر این مسأله به‌عنوان چالش به این دلیل است که گاه حداقل انتظارات از یک بانک خصوصی در تأمین مالی طرح‌های مشابه نیز برآورده نمی‌شود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

درنظرگرفت. لازم به ذکر است که با توجه به عمومی و پیش‌فرض بودن عوامل یادشده – و نه به دلیل کم‌اهمیت بودن – و باهدف جلوگیری از تکرار از پرداختن مکرر به این عوامل در آسیب‌های شناسایی‌شده خودداری شده است.

۳-۴. عدم‌توجه متوازن به حوزه‌های متنوع کسب‌وکار و پذیرش ریسک تمرکز قابل‌توجه

به‌طورکلی در ۴ حوزه کلان کشاورزی، صنعتی، خدماتی و بازرگانی برای تأمین مالی و سرمایه‌گذاری شبکه بانکی، بانک‌های خصوصی از پرداختن به حوزه‌های مولدی چون صنعت و کشاورزی غفلت کرده‌اند[۹]. هرچند که این مسأله با توجه به شرایط کلان اقتصادی و غیرقابل‌توجیه بودن نسبت ریسک به بازده برای حوزه‌های مولدِ کشاورزی و صنعتی اجتناب‌ناپذیر است، اما افزایش شاخص ریسک تمرکزِ بانک‌های خصوصی در تخصیص منابع و اثر بلندمدت آن بر کاهش تولید ناخالص داخلی کشور ازجمله خطرات و تهدیدهایی است که این عدم‌اقبال به حوزه‌های مولد اقتصادی می‌تواند با خود به همراه داشته باشد؛ بنابراین چالش یادشده هم چالشی در حوزه مدیریت ریسک بانک‌های خصوصی است و هم چالشی راهبردی برای رشد اقتصادی کشور در بلندمدت خواهد بود.

۳-۵. عدم مشارکت سرمایه‌گذار خارجی در بانک‌های غیردولتی ایران

بدیهی است در غیاب شرایط رقابتی سالم و عادلانه، تغییر مالکیت هیچ‌گاه منجر به بهبود و افزایش کارایی در کلانِ اقتصاد نخواهد شد، بلکه انحصار دولتی را به انحصار خصوصی – که به‌مراتب زیان‌بارتر است – تبدیل می‌کند (کمیجانی، ۱۳۸۲). یافته‌های پژوهشگران نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین شروط موفقیت خصوصی‌سازی نهادهای پولی راهبردی همچون بانک‌ها، تشریک سرمایه‌گذاران خارجی راهبردی در مالکیت بانک‌های مربوطه است. تجربه کشورهایی چون مجارستان، لهستان و مکزیک اثبات می‌کند که در فرآیند خصوصی‌سازی شبکه بانکی کشورهای درحال‌توسعه، بانک‌های خصوصی شده با مالکیت سرمایه‌گذاران خارجی بیشترین کارایی را دارند (Bonin, Hasan & Wachtel, 2004)؛ درحالی‌که کشورهایی که خصوصی‌سازی بانک‌های آن در غیاب سرمایه‌گذاران خارجی اتفاق افتاده غالباً موفق نبوده است (بهرامی و علائی، ۱۳۹۲). به نظر می‌رسد عواملی چون

۹. این ادعا با تکیه بر اطلاعات منتشر شده در صورت‌های مالی و گزارشات تفسیری هیأت مدیره بانک‌های خصوصی در سامانه کدال مطرح شده است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عدم‌تمایل سرمایه‌گذار خارجی به پذیرش ریسک رفتارها و تصمیمات غیرقانونی و غیرحرفه‌ایِ هیأت مدیره بانک و نیز صعوبت تبانی با سرمایه‌گذار خارجی در رابطه با ویژه‌خواریِ تسهیلات بانک و ورود به طرح‌های بدون توجیه اقتصادی، ازجمله مهم‌ترین علل کارآمدی خصوصی‌سازی بانک‌ها با مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی است. حال‌آنکه با توجه به بالا بودن ریسک‌های سیاسی و اقتصادی در فضای اقتصاد کلان ایران، وجود ذهنیت منفی نسبت به سرمایه‌گذار خارجی و شرایط نامناسب کسب‌وکار و مقررات اداری پیچیده آن عملاً امکان بهره‌مندی از مشارکت کلان سرمایه‌گذاران خارجی در نهادهای پولی بزرگ همچون بانک‌ها وجود ندارد (سعیدی و میعادی، ۱۳۹۰)؛ بنابراین با توجه به عدم‌توفیق جمهوری اسلامی ایران در جذب سرمایه‌گذاران کلانِ خارجی و عدم‌امکان عملی تشریک آن‌ها در مالکیت بانک‌های کشور، یکی از پیش‌نیازهای مهم موفقیت و نیل به کارایی بالا در خصوصی‌سازی بانک‌ها در جمهوری اسلامی ایران ممکن نبوده و ارائه راه‌حل خصوصی‌سازی باهدف افزایش کاراییِ صنعت بانکداری در کشورمان را با چالش و ابهام جدی روبرو می‌کند. طبعاً تغییر این واقعیت، نیازمند بازنگری‌های بنیادین و ساختاری نه‌تنها در اقتصاد که در سیاست کشور است و مادامی‌که شرایط سیاسی و اقتصادی به همین‌ترتیب باشد صحبت کردن از افزایش کارایی و بهره‌وری بانک‌ها با فرآیند خصوصی‌سازی چندان قابل اثبات و استناد نیست. شایان ذکر است که چالش‌های یادشده هرگز به معنای مخالفت تام با ماهیت بانک‌های خصوصی در بازار پول ایران نبوده و صرفاً برای شناسایی چالش‌ها و آسیب‌های بانکداری بخش خصوصی در ایران و عوامل آن‌ها و نیز برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی برای رفع عوامل یادشده است.

۴. شناسایی و استخراج چالش‌های فقهی و حقوقی بانک‌های خصوصی در ایران

۴-۱. شبهه صدق قواعد «لا ضرر» و «تسبیب» در فقه اسلامی در رابطه با موضوع اضافه برداشت بانک‌های خصوصی از بانک مرکزی

افزایش پایه پولی و در نتیجه آثار تورمی آن در کلانِ اقتصاد بر عموم مردم ازجمله تهدیدات بانک‌های خصوصی به‌شمار می‌آید. قدرت خلق نقدینگی و امکان اضافه برداشت از بانک مرکزی و افزایش پایه پولی مؤلفه‌های قدرتی هستند که بانک‌ها در سطح کلان اقتصادی برای اثرگذاری بر نرخ تورم و قدرت خرید عموم جامعه از آن برخوردارند. از

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

طرفی هرگونه رفتار کنترل نشده شبکه بانکی در خلق نقدینگی و اضافه برداشت از بانک مرکزی می‌تواند به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم منجر به افزایش نرخ تورم، کاهش قدرت خرید و به‌نوعی زیان اقتصادی عموم جامعه شود. لازم به ذکر است اگر خلق نقدینگی و افزایش پایه پولی یادشده توسط دولت و بانک‌های دولتی به دلیل تأمین مالی طرح‌های عام‌المنفعه، تأمین کسری بودجه و کلیه اموری که منافع آن جنبه عمومی دارد صورت بگیرد، با توجه به اختیارات حقوقی دولت و ابعاد و ظرفیت‌های فقه حکومتی، اشکالات فقهی و حقوقی وارده ممکن است قابل توجیه باشند؛ اما در رابطه با موضوع بانک‌های خصوصی این مسأله قابل توجیه نبوده و با توجه به اختصاص منافع حاصله از خلق نقدینگی صورت گرفته (چه در بخش سرمایه‌گذاری و چه در بخش تخصیص منابع و تسهیلات دهی) به بخش خاصی از جامعه صحت فقهی این موضوع با شبهات و تشکیک جدی مواجه است. در فقه اسلامی قاعده‌ای با نام «لا ضرر» باهدف نفی مشروعیت هرگونه ضرر و اضرار تعریف شده است. اهمیت قاعده «لا ضرر» در اسلام تا حدی است که برای بررسی موضوعات مستحدثه در صورت تزاحم آن با دیگر قواعد فقهی غالباً به‌عنوان یک حکم ثانوی بر دیگر قواعد فقهی حاکم می‌شود. طبعاً در رابطه با موضوع خلق نقدینگی و افزایش پایه پولی توسط بانک‌های خصوصی مسأله اضرار به عموم جامعه با افزایش فشار تورمی و در نتیجه نقض حقوق عامه قابلیت بررسی دارد. حتی درصورتی‌که اضرار یاد شده را مستقیماً و بدون واسطه ندانسته و در نسبت دادن مسئولیت کامل آن به بانک تشکیک کنیم، شبهه صدق قاعده دیگری با نام قاعده «تسبیب» مطرح می‌شود. قاعده تسبیب از قواعد فقهی- حقوقی در باب ضمان است که در ماده ۳۰۷ قانون مدنی نیز بدان اشاره شده است. براساس قاعده تسبیب اگر کسی به‌طور غیرمستقیم و مع‌الواسطه موجب تلف مال دیگری گردد، ضامن بوده و مسئول جبران خسارت است (طباطبایی لطفی و روشنی، ۱۳۹۴). حال سؤال اینجاست که باتوجه به قابل‌اثبات بودن رابطه حجم کل نقدینگی و پایه پولی با نرخ تورم در علم اقتصاد کلان و همچنین تأثیرگذاری مستقیم بانک‌های خصوصی بر حجم پول پرقدرت (از طریق اضافه برداشت) و ضریب فزاینده (از طریق نرخ تسهیلات‌دهی)، آیا در صورت افزایش تورم ناشی از اضافه برداشت‌های بانک‌های خصوصی نمی‌توان ازنظر فقهی آن‌ها را ضامن در خسارت ناشی از کاهش قدرت خرید مردم در جامعه دانست؟

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۴-۲. عدم‌توجه نهاد ناظر و قانون‌گذار در بازار پول به اقتضائات بخش خصوصی در صنعت بانکداری

تصویب قوانین و دستورالعمل‌های نظارتی بدون توجه به حضور بخش خصوصی در صنعت بانکداری نه‌تنها موجب بهبود عملکرد بانک‌های خصوصی نمی‌شود، بلکه انگیزه فساد و اعمال غیرقانونی را در آن‌ها پررنگ‌تر می‌کند. یکی از مهم‌ترین خلل‌های قانون‌گذاری و تنظیم‌گری در بازار پول کشور عدم‌احترام نهاد ناظر و سیاست‌گذار به اصول بنیادین در اقتصادِ بخش خصوصی همچون بیشینه‌سازی سود، مدیریت ریسک و حاکمیت منطق بازار است. مطابق ماده ۴۴ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی هرگونه اخلال در حاکمیت منطق بازار و شرایط عادلانه رقابتی ممنوع است. همچنین در این ماده و مواد بعدی از فصل نهم قانون یادشده مواردی چون قیمت‌گذاری (نرخ‌گذاری)، انحصار، تحمیل شرایط تبعیض‌آمیز در قراردادها، تبانی و سوءاستفاده از شرایط اقتصادی (رانت‌های اقتصادی) عیناً به‌عنوان موانع تسهیل رقابت در فضای اقتصادی کشور شناخته شده و ممنوع است. این در حالی است که سیاست‌گذار و نهاد ناظر بازار پول در کشور همواره با تصمیماتی چون تحمیل تسهیلات تکلیفی به بانک‌های خصوصی، نرخ‌گذاری دستوری و غیرواقعی در بازار پول، دخالت در امر تخصیص منابع بانک‌ها و تعیین دستوری برخی حوزه‌های خاص همچون کشاورزی برای جذب حداقلی از حجم کل سرمایه‌گذاری‌ها و تأمین مالی‌های بانک، اقتضائات بخش خصوصی را نادیده گرفته و به فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز توجه کافی ننموده است. مواد ۲۳، ۴۷ و ۵۱ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور و ماده ۳ آیین‌نامه فصل چهارم قانون عملیات بانکداری بدون‌ربا ازجمله مثال‌هایی است که می‌توان برای چالش یادشده به آن‌ها اشاره کرد. در پایان ذکر این نکته ضروری است که چالش‌های حقوقی مطرح‌شده هرگز صرفاً به معنای زیر سؤال بردن اصل و ماهیت بانک‌های خصوصی نبوده و گاه می‌تواند به‌عنوان آسیب‌شناسی نظام حقوقی حاکم بر فضای بانکداری خصوصی برای تصحیح و تکمیل قوانین باشد.

۴-۳. تعارض قانون اجازه تأسیس بانک‌های خصوصی با برخی اصول قانون اساسی

مطابق بند ۶ و ۱۲ اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد زندگی عادلانه برای همه مردم» و همچنین «پی‌ریزی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی» همه امکانات خود را به‌کار گیرد. همچنین از بند ۲ اصل چهل و سوم قانون اساسی استفاده می‌شود که حاکمیت در جمهوری اسلامی باید از هر امری در اقتصاد کشور که «به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی می‌شود» جلوگیری نماید. اکنون که به‌وضوح بی‌عدالتی‌ها، تبعیض‌ها و تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص (سهامداران بانک‌های خصوصی) با اجازه تأسیس بانک‌های خصوصی و خلق پول‌های کنترل نشده و ناعادلانه آن‌ها رسانه‌ای شده، تعارض این مسأله با اصول بنیادین قانون اساسی خود به‌عنوان یکی از چالش‌های حقوقی مسأله قابل‌تحلیل و بررسی است. پاسخ به این شبهه نیز شایسته است که اگر تعارض حقوقی وجود دارد چگونه شورای نگهبان این قوانین را پذیرفته است؟ در پاسخ می‌توان به این نکات اشاره کرد که *اولاً* خود شورای محترم نگهبان از اعضای خبره متعددی تشکیل شده که ممکن است همه اعضا در تأیید یا رد قوانین مصوب هم‌نظر نباشند. طبعاً این پژوهش نیز که باهدف نقد کارشناسی مبادی حقوقی بانکداری بخش خصوصی انجام‌شده می‌تواند نارسایی‌های حقوقی را از منظر کارشناسی گزارش کند. *ثانیاً* بسیاری از مصوبات شورای محترم نگهبان با پیش‌فرض تنظیم آیین‌نامه‌های اجرایی و نظارتی تکمیل‌کننده و قید زننده توسط دولت و اجرا و نظارت بی‌نقص دستگاه‌های اجرایی نهایی و تصویب می‌شوند؛ این در حالی است که در رابطه با قانون اجازه تأسیس بانک‌های خصوصی بسیاری از انتظارات و قیود نظارتی محدودکننده در آیین‌نامه اجرایی دولت برای قانون مربوطه دیده نشده و متأسفانه همین ضعف آیین‌نامه‌ای در نظارت ضعیفِ بانک مرکزی بر بانک‌های خصوصی مربوطه نیز دیده می‌شود.

۴-۴. عدم تعریف بسترهای نظارتی و کیفری واحد جهت نظارت و رسیدگی حقوقی یکسان بر بانک‌های خصوصی و دولتی

براساس رویکرد جامع و کلی‌نگر در تعریف هریک از بخش‌های عمومی و خصوصی و تمییز مرز آن‌ها با یکدیگر، تأکید زیاد بر تفکیک سازمان‌های عمومی و خصوصی موجب به‌هم‌ریختگی نظام حقوقی و برخورد متفاوت با موضوع‌های مشابه است. به‌عنوان‌مثال، سازمان‌هایی که هم نوع دولتی و هم نوع خصوصی آن‌ها وجود دارد، اصولاً باید تابع قوانین و مقررات مشابهی باشند؛ درحالی‌که اصرار بر تفکیک سازمان‌های بخش عمومی از

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خصوصی، موجب تفاوت غیراصولی یا فاقد مبنای درست در مقررات حاکم بر آن‌ها می‌گردد. متأسفانه عدم‌توجه سیاست‌گذار در تصویب قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیردولتی و قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به هشدارهای یادشده در رویکرد کل‌نگر سبب شده تا امروزه در بازار پول و شبکه بانکداری کشور شاهد برخوردهای حقوقی و نظارتی متفاوت با مسأله واحدِ بانکداری – چه با مالکیت بخش خصوصی و چه با مالکیت بخش دولتی – باشیم. برای نمونه در شبکه بانکی علاوه‌بر بانک مرکزی که نهاد تنظیم‌کننده بازار پولی کشور است، دیوان محاسبات کشور نیز بر بانک‌های دولتی نظیر بانک ملی به دلیل دولتی بودن آن‌ها نظارت دارد؛ ولی بانک‌های خصوصی طبعاً مشمول نظارت دیوان محاسبات نیستند. تصمیم‌ها و مقررات مصوب ارکان بانک‌های دولتی، قابل شکایت در دیوان عدالت اداری است؛ درحالی‌که در مورد بانک‌های خصوصی، دیوان عدالت صلاحیت رسیدگی ندارد. کارکنان بانک‌های دولتی تابع قانون مدیریت خدمات کشوری هستند؛ درحالی‌که کارکنان بانک‌های خصوصی تحت شمول قانون کار قرار می‌گیرند. تخلفات کارکنان بانک‌های دولتی تابع قانون تخلفات اداری کارکنان دولت است و مراجع خاص پیش‌بینی‌شده در قانون یادشده صلاحیت رسیدگی به این تخلفات را دارند؛ درحالی‌که کارکنان بانک‌های خصوصی تابع آیین‌نامه‌های انضباطی کارگاه موضوع ماده ۲۷ قانون کار (مصوب ۱۳۶۹) و تبصره ۲ اصلاحی آن (مصوب ۱۳۹۰) هستند. ازنظر کیفری اقدامات مجرمانه‌ای که در بانک دولتی با نام اختلاس یا ارتشاء قابل کیفر است، در بانک‌های خصوصی با نام خیانت در امانت یا تحصیل مال نامشروع قابل مجازات است (نجفی‌خواه، ۱۳۹۵). عدم‌یکپارچگی و عدم‌شمولیتِ عامِ سازوگارها و مقررات نظارتی در شبکه بانکی منجر به ناکارآمدی‌هایی در نحوه مدیریت بانک‌ها و فرآیندِ نظارت بر آن‌ها خواهد شد. این مسأله – یعنی تفاوتِ چهارچوب نظارتی بانک‌های خصوصی با بانک‌های دولتی – می‌تواند منجر به بروز رفتارهای مدیریتی متفاوت بانک‌های خصوصی نسبت به بانک‌های دولتی و الگوگیری کل شبکه بانکی از آن‌ها شده و در نتیجه یک سیکل معیوب رقابتی در رفتارهای غیرمسئولانه در بازار پول کشور ایجاد نماید. اتفاقاتی که در رابطه با نرخ سود در حوزه تجهیز منابع بانک‌های خصوصی رخ داد مثال متقنی است که مؤید همین موضوع است. البته تجارب موفق بین‌المللی نشان می‌دهد این‌گونه نارسایی‌ها تا حد بسیار زیادی با به‌کارگیری یک نظام دیوان‌سالارِ بالغ و تعریف

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

فرآیندهای نظارتی حرفه‌ای قابل‌پیشگیری است و همان‌گونه که پیش‌ازاین نیز اشاره شد ضعف نظارتی نهاد ناظر بازار پول عامل مشترک در پیدایش همه چالش‌های یادشده بوده است.

۴-۵. عدم‌پایبندی کامل بانک‌های خصوصی به رعایت قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های نظارتیِ مجلس شورای اسلامی، شورای عالی پول و اعتبار و بانک مرکزی

گرچه یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوقی بانک‌های خصوصی عدم‌توجه نهاد ناظر و قانون‌گذار به اقتضائات اقتصادِ بخش خصوصی معرفی شد، اما بانک‌های خصوصی نیز در تمکین از قوانین سیاست‌گذار و دستورالعمل‌های نهاد ناظر کارنامه قابل قبولی ارائه نداده‌اند. به‌عنوان‌مثال مطابق بند ۴ ماده ۳۴ قانون جامع پولی و بانکی کشور اعطای اعتبار توسط کلیه بانک‌های شبکه بانکی کشور به ارکان خود و مؤسساتی که اعضای مزبور در آن ذی‌نفع بوده و سایر اشخاص حقیقی یا حقوقی بیش ازآنچه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به‌موجب دستورالعمل‌ها یا آیین‌نامه‌های خاص تعیین خواهد کرد، ممنوع است. حال آنکه کشور همه‌روزه شاهد رسانه‌ای شدن پرونده‌هایی از شبکه بانکی است که مبتنی‌بر عدم‌رعایت کاملِ همین قانون و با سوءاستفاده از روابط غیررسمی شکل‌گرفته مابین ذی‌نفعان نهایی، تشکیل‌شده‌اند. همچنین مطابق مواد ۷۴ تا ۷۶ آیین‌نامه نحوه تأسیس و اداره مؤسسات اعتباری غیردولتی، بانک‌های خصوصی نسبت به اعطای تسهیلات به افرادی که اعتبارسنجی مطمئن نشده یا دارای بدهی غیرجاری به شبکه بانکی هستند نیز منع شده‌اند؛ حال آنکه می‌دانیم وضعیت مطالبات غیرجاری در بانک‌های خصوصی و مقایسه آن با بانک‌های دولتی نشان از عملکرد بسیار نامناسب بانک‌های خصوصی در اعتبارسنجی وام‌گیرندگان و اعطای تسهیلات به مشتریان داشته و خود مدرک معتبری بر عدم‌رعایت مواد ۷۴ تا ۷۶ آیین‌نامه نحوه تأسیس و اداره مؤسسات اعتباری غیردولتی است. در واقع تا زمانی‌که درآمد عملیاتی در صنعت بانکداری و بازده نسبت به سرمایه در بانکداری تجاری برای بخش خصوصی جذاب و قانع‌کننده نباشد، نمی‌توان انتظار تخصیص منابع کارآمد و بدون فساد در بانک‌های خصوصی را داشت؛ بنابراین اگر بخواهیم نگاه ریشه‌ای به موضوع داشته و به علت‌یابی عدم‌تمکین بانک‌های خصوصی از قوانین و مقررات نظارتی بپردازیم، این توجیه‌ناپذیری بازدهی صنعت بانکداری برای بخش

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خصوصی – به دلیل شرایط نامناسب اقتصاد کلان کشور و دخالت‌های نهادهای ناظر و سیاست‌گذار در بازار – است که منجر به بروز رفتارهای غیرمسئولانه از بانک‌های خصوصی و عدم‌پایبندی کامل آن‌ها به قوانین و مقررات نظارتی می‌شود. در پایان مجدداً بر این نکته تأکید می‌شود که ذکر چالش‌ها و آسیب‌های یادشده به معنای اختصاصی بودن همه آن‌ها صرفاً برای بانک‌های خصوصی نبوده و قصد نویسندگان از بیان این حقایق مطلقاً زیرسوال بردن ماهیت و ذات بانک‌های خصوصی نیست؛ بلکه صرفاً تلاشی برای ارائه گزارشی مکتوب از یک پیمایش انجام‌شده از طریق مصاحبه با خبرگان با رعایت امانت بوده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد بسیاری از چالش‌های یادشده با اصلاح قوانین و آیین‌نامه‌های نظارتی و تقویت نظارت بانک مرکزی قابل مدیریت و کنترل است.

۵. روش‌شناسی پژوهش

یکی از روش‌های تحقیقات کیفی که به‌منظور کسب دانش گروهی در موضوعی خاص مورداستفاده قرار می‌گیرد روش دلفی نام دارد. گرچه با توجه به هدف پژوهش، کیفیت داده‌ها، شرایط خبرگان و سطح دانش آن‌ها در رابطه با موضوع، تنوع قابل‌توجهی را در طراحی و استفاده از روش دلفیِ مطلوب می‌توان مشاهده کرد، اما به‌طورکلی و برای اشاره به اصول بنیادین و مشترک در همه انواع روش‌های دلفی می‌توان به تعریف «تاپیو[10]» مراجعه نمود: دلفی روش یا فنی علمی است که بیشتر برای موضوعات کیفی، سیاست‌گذاری، آسیب‌شناسی و پیش‌بینی آینده کاربرد دارد؛ بر پایه اجماع نظرات متخصصان شکل‌گرفته و از تقابل و رودررو شدن متخصصان با یکدیگر جلوگیری می‌کند؛ لذا هم‌اندیشی خبرگان در روش دلفی به‌صورت غیرمستقیم شکل می‌گیرد (Tapio, 2003). مسأله اصلی این پژوهش استخراج چالش‌ها و آسیب‌های بانکداری بخش خصوصی (در دو گروه مجزای چالش‌های اقتصادی- مالی و چالش‌های فقهی- حقوقی) در بازار پول ایران و رتبه‌بندی این چالش‌ها براساس نظر خبرگان است؛ بنابراین محققان در این پژوهش سعی در یافتن پاسخ برای سه سؤال ذیل به‌عنوان سؤال‌های اصلی پژوهش دارند:

۱. چالش‌های اقتصادی- مالی بانکداری بخش خصوصی در بازار پول ایران کدام هستند؟

10. Tapio

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲. چالش‌های فقهی- حقوقی بانکداری بخش خصوصی در بازار پول ایران کدام هستند؟

۳. رتبه‌بندی چالش‌های فقهی- حقوقی و اقتصادی- مالی فوق برحسب اولویت چگونه است؟

بدین‌منظور برای یافتن پاسخ سؤال‌های فوق به طراحی یک روش دلفی سه مرحله‌ای پرداخته شد. در مرحله نخست با ارائه یک پرسشنامه «غیرساختاریافته و باز» به خبرگان[۱۱] ضمن معرفی چالش‌های فقهی- حقوقی و آسیب‌های اقتصادی- مالی استخراج‌شده برای بانکداری بخش خصوصی در ایران به‌عنوان یک کشور درحال‌توسعه با بازار اعتبارات ضعیف، از خبرگان خواسته شد ضمن اظهارنظر نسبت به تأیید یا رد هریک از گویه‌ها (چالش‌ها) در قالب طیف لیکرت، درصورتی‌که آسیب یا چالش راهبردی دیگری ناظر به ابعاد حقوقی یا اقتصادی مسأله می‌شناسند معرفی کرده تا در دور بعدی به جداول چالش‌های پرسشنامه‌ها اضافه شود. با توجه به حساسیت دور اول روش دلفی و برای اطمینان از تفهیم کامل خبرگان نسبت به مسأله و به‌منظور بالابردن کیفیت پژوهش، در این مرحله تکمیل پرسشنامه توسط خبرگان در کنار مصاحبه‌های حضوری عمیق انجام‌شده و محققان ضمن تشریح کامل مسأله برای خبره، دلایل وی در رابطه با موافقت یا مخالفت با هریک از گویه‌ها را دریافت نموده‌اند. لازم به ذکر است که پس از تکمیل پرسشنامه‌های

---

۱۱. منظور و مقصود از خبره در این پژوهش اشخاصی است که از طرفی در حوزه اقتصاد پولی دارای تخصص علمی و دانشگاهی بوده و از طرف دیگر دارای تجربیات ارزشمند اجرایی و سیاست‌گذاری در فضای بازار پول کشور باشند. لذا پس از پایش جامعه هدف برای رسیدن به نمونه آماری مطلوب از میان مدیران سطوح عالی بانک مرکزی، بانک‌های خصوصی و بانک‌های دولتی افرادی که تحصیلات و مطالعات مرتبط با اقتصاد پولی داشتند انتخاب شدند. همچنین اساتید مجرب دانشگاهی در حوزه اقتصاد پولی که دارای حسن شهرت و تألیفات گسترده‌اند به اعضای نمونه آماری و خبرگان دارای صلاحیت برای مصاحبه و تکمیل پرسشنامه اضافه گردید. در نهایت و پس از انجام مذاکرات با تمام اشخاص برگزیده در نمونه آماری مدنظر ۲۴ نفر برای همکاری و مصاحبه اعلام آمادگی کردند؛ بنابراین تعداد اعضای نمونه آماری خبرگان پژوهش حاضر برای اجرای مصاحبه‌های روش دلفی ۲۴ نفرگردید که ارتباط پژوهشگران در طی فرآیند پژوهش با اکثر آنان حضوری بوده و برخی نیز در قالب مکاتبات مکتوب نظرات خود را مطرح کرده و پرسشنامه‌ها را تکمیل نمودند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دور اول[۱۲] خبرگان شرکت‌کننده ضمن تأیید همه چالش‌های شناسایی‌شده در بخش اول پژوهش، سه چالش (گویه) نیز به جدول چالش‌های اقتصادی- مالی بانکداری بخش خصوصی در ایران به‌عنوان چالش‌ها و آسیب‌های پیشنهادی خبرگان اضافه نمودند.

پس از اعمال اصلاحات پیشنهادیِ خبرگان و اضافه نمودن چالش‌های «تحمیل تسهیلات تکلیفی به بانک‌های خصوصی»، «بازدهی بالاتر بازارهای موازی نسبت به بازدهی صنعت بانکداری تجاری متعارف» (متأثر از ناکارآمدی سیاست‌های کلان اقتصادی) و «سرکوب دستوری نرخ سپرده و نرخ تسهیلات» (برای مقاصد سیاسی دولت‌ها) به جدول چالش‌های اقتصادی- مالیِ پرسشنامه از خبرگان خواسته شد تا در مرحله دوم روش دلفی مجدداً تمامی گویه‌ها را براساس طیف لیکرت مورد ارزیابی قرار دهند. لازم به ذکر است که در مرحله دوم با توجه به تقارب نظرات خبرگان در رابطه با ترکیب گویه‌ها از پرسشنامه بسته استفاده شده است.

با توجه به اشباع تئوریک، اقناع نظری و شکل‌گیری اجماع نسبی که در مرحله دوم دلفی مشاهده شد، پرسشنامه دور سومِ دلفی را می‌توان پرسشنامه نهایی جهت رتبه‌بندی گویه‌های هر دو جدول دانست؛ بنابراین در مرحله‌ی سوم دلفی تمرکز بر روی رتبه‌بندی عوامل و گویه‌ها قرار گرفت. ذکر این نکته لازم است که در این مرحله میانگین امتیازی که مجموع خبرگان به هریک از گویه‌ها داده بودند نیز در یک ستون نمایش داده شد؛ سپس از خبرگان درخواست شد با توجه به میانگین امتیاز تخصیص‌یافته به هر گویه، در صورت نیاز به اصلاح امتیازاتی که در مراحل قبل به هریک از گویه‌ها داده بودند بپردازند.

۶. تجزیه‌وتحلیل اطلاعات

محققان در این پژوهش برای تجزیه‌وتحلیل نتایج به‌دست‌آمده از مراحل سه‌گانه روش دلفی از آزمون‌های آماری بهره گرفته‌اند؛ به‌عنوان نمونه در مراحل اولیه روش دلفی برای حصول اطمینان از تأیید همه چالش‌ها و آسیب‌های شناسایی‌شده از آزمون ناپارامتری به نام آزمون دوجمله‌ای[۱۳] استفاده نموده و در دور سوم و نهایی دلفی نیز برای رتبه‌بندی چالش‌ها

---

۱۲. پرسشنامه‌ها در هریک از مراحل سه‌گانه روش دلفی شامل دو جدول مجزا برای چالش‌های فقهی- حقوقی و چالش‌های اقتصادی- مالی است که خبرگان می‌بایست در مقابل هریک از گویه‌ها در جداول یادشده یکی از گزینه‌های طیف لیکرت را انتخاب نمایند.

13. Binomial Analysis;

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

از آزمون آماری دیگری به نام آزمون فریدمن[۱۴] بهره گرفته‌اند. به‌طورکلی در بخش تجزیه‌وتحلیل اطلاعات ابتدا در رابطه با روایی و پایایی پرسشنامه و روش‌های آماری مورداستفاده توضیح داده‌شده و سپس یافته‌های به‌دست‌آمده از هر یک از مراحل دلفی برجسته خواهد شد.

۶-۱. روایی و پایایی پرسشنامه‌ها

۶-۱-۱. روایی

در رابطه با روایی اثر باید به این نکات توجه داشت که *اولاً* صرفاً از نظرات خبرگانی که هم دارای تجربه مدیریتی کافی و هم دارای تخصص و تحصیلات دانشگاهی مرتبط بوده‌اند استفاده‌شده؛ *ثانیاً* در دور نخست روش دلفی از پرسشنامه باز استفاده گردید و نظرات خبرگان در رابطه با ساختار پرسشنامه دریافت و تا حد ممکن ترتیب اثر داده‌شده و *ثالثاً* در دور نهایی خبرگان از میانگین امتیاز هر یک از گزینه‌ها آگاه شده و با توجه به آن امتیاز نهایی خود را به هریک از گویه‌ها اختصاص دادند؛ که این موارد خود روایی ابزار اندازه‌گیری را تا حدود زیادی تأمین نموده‌اند.

۶-۱-۲. پایایی

در این پژوهش به‌منظور ارزیابی پایایی پرسشنامه از شاخص آلفای کرونباخ برای محاسبه ضریب پایایی استفاده گردید. نتایج نشان داد که ضریب مذکور برای پرسشنامه نهایی (شامل ۵ چالش فقهی- حقوقی و ۸ چالش اقتصادی- مالی دور سوم دلفی) برابر با ۰/۷۶ است. با توجه به اینکه این عدد بالاتر از ۰/۷ است می‌توان ادعا نمود که ابزار تحقیق از پایایی لازم برخوردار است.

۶-۲. روش‌های آماری استفاده‌شده

یکی از مهم‌ترین مراحل دلفی، تحلیل نتایج به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌های تکمیل‌شده در مراحل (راندها) است. در ادبیات موجود روش مشخصی برای تحلیل و مدیریت اطلاعات تولیدشده در مراحل دلفی ارائه نشده و این مسأله منجر به تنوع رویکردها در تحلیل نتایج دلفی گردیده است. به‌هرحال محققین تأکید نموده‌اند که روش‌های تحلیل لازم است

14. Friedman Analysis

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

براساس هدف دلفی، ساختار راندها، نوع سؤال‌ها و تعداد شرکت‌کنندگان تعیین شود؛ بنابراین طبیعی است که شیوه تحلیل از یک تحقیق به تحقیق دیگر، تغییر کند (Glenn & Gordon, 2009). در این پژوهش پس از مشورت با خبرگان حوزه‌ی آمار و روش تحقیق از دو روش آزمون دوجمله‌ای و آزمون فریدمن برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها استفاده گردید. در واقع از آزمون دوجمله‌ای برای اطمینان یافتن از موافقت خبرگان و تأیید چالش‌های استخراج‌شده استفاده می‌کنیم و آزمون تحلیل واریانس فریدمن نیز باهدف اطمینان یافتن از عدم یکسان بودن اهمیت چالش‌ها با یکدیگر به‌عنوان لازمه‌ی معنی‌دار بودن فرآیند رتبه‌بندی انجام خواهد شد.

برای اجرائی‌سازی آزمون دوجمله‌ای[۱۵]، مقادیر حدی بدین‌صورت تعریف گردید: جهت مثبت و موافق (پیروزی) برای کسانی که پاسخ کاملاً موافق و تا حدی موافق می‌دهند، بدون نظر برای افرادی که پاسخ بی‌نظر می‌دهند و نهایتاً جهت منفی و مخالف (شکست) برای کسانی که گزینه‌های کاملاً مخالف و تا حدی مخالف را انتخاب می‌نمایند. براساس این تقسیم‌بندی می‌توان تمامی خبرگان را به دودسته تقسیم کرد: افرادی که نظر موافق دارند و آن‌ها که نظرشان منفی است (خلیلی شورینی، ۱۳۸۶، ص. ۳۴). با توجه به آنچه مطرح شد فرضیه‌های مورد آزمون دوجمله‌ای بدین‌صورت قابل‌ارائه است:

$$\begin{cases} H0: \ P \leq 0.6 & \text{رابطه (۱):} \\ H1: \ P > 0.6 & \text{رابطه (۲):} \end{cases}$$

فرضیه صفر معادل پاسخ‌های منفی و بی‌پاسخ (افرادی که گزینه‌های کاملاً مخالف، تاحدی مخالف و بی‌نظر را انتخاب کرده‌اند) و فرضیه جایگزین معادل پاسخ‌های مثبت (کاملاً موافق و یا تا حدی موافق) است .دلیل انتخاب عدد ۰،۶ (معادل سه‌پنجم) آن است که (به پیروی از سایر تحقیقات) مقدار P=0.6 آستانه حدی در نظر گرفته شده است.

این آزمون در دورهای اول و دوم روش دلفی برای اطمینان یافتن از موافقت و تأیید نهایی همه گویه‌ها (چالش‌ها) توسط خبرگان و رسیدن به یک پرسشنامه بسته برای دور سوم و رتبه‌بندی نهایی چالش‌ها انجام شد. در دور نخست دلفی، سطح معنی‌داری تمامی

---

۱۵. روش اجرای آزمون دوجمله‌ای در نرم‌افزار SPSS:

Analyze ← Nonparametric Tests ← Legacy Dialogs ← Binomial

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

گویه‌ها کمتر از میزان آلفای تحقیق (۵ درصد) بوده و لذا فرض صفر آزمون در رابطه با هر ۵ چالش فقهی- حقوقی و همه ۵ چالش اقتصادی- مالی رد می‌شود؛ که به معنای تأیید نهایی همه چالش‌های ده‌گانه فقهی- اقتصادی استخراج‌شده توسط خبرگان شرکت‌کننده است؛ همچنین در دور نخست دلفی خبرگان سه چالش پیشنهادی به مجموعه چالش‌های اقتصادی- مالی استخراج‌شده اضافه نمودند.

در دور دوم دلفی نیز خبرگان بار دیگر ۸ چالش اقتصادی- مالی و ۵ چالش فقهی- حقوقی را مورد ارزیابی قرار دادند. با اجرای آزمون دوجمله‌ای بر روی نتایج به‌دست‌آمده از پرسشنامه‌های دور دوم دلفی، خروجی آزمون در قالب جدول‌های (۱) و (۲) ارائه می‌شود.

جدول (۱): نظرات خبرگان در مورد چالش‌های اقتصادی- مالی بانکداری بخش خصوصی در جمهوری اسلامی ایران

شماره	چالش	سطح معنی‌داری	سطح خطا	درصد موافقت(تقریبی)	تأیید یا رد HO
۱	ناکارآمدی در تخصیص منابع	۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۹	رد
۲	عدم مشارکت سرمایه‌گذار خارجی در بانک‌های غیردولتی ایران	۰/۰۰۳	۰/۰۵	۰/۷	رد
۳	بنگاه‌داری و فعالیت اقتصادی مستقیم	۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۸	رد
۴	عدم‌تأمین مالی یا سرمایه‌گذاری در طرح‌های زیرساختی و بلندمدت	۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۸	رد
۵	عدم‌توجه متوازن به حوزه‌های متنوع کسب‌وکار و پذیرش ریسک تمرکز قابل‌توجه	۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۸	رد
۶	تحمیل تسهیلات تکلیفی به بانک‌های خصوصی	۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۸	رد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

شماره	چالش	سطح معنی‌داری	سطح خطا	درصد موافقت(تقریبی)	تأیید یا رد HO
۷	بازدهی بالاتر بازارهای موازی نسبت به بازدهی صنعت بانکداری تجاری متعارف متأثر از ناکارآمدی سیاست‌های کلان اقتصادی	۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۸	رد
۸	سرکوب دستوری نرخ سپرده و نرخ تسهیلات برخلاف اقتضای بازار برای مقاصد سیاسی دولت‌ها	۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۸	رد

منبع: (محاسبات نویسندگان)

جدول (۲): نظرات خبرگان در مورد چالش‌های فقهی- حقوقی بانکداری بخش خصوصی در جمهوری اسلامی ایران

شماره	چالش	سطح معنی‌داری	سطح خطا	درصد موافقت(تقریبی)	تأیید یا ردHO
۱	عدم‌پایبندی کامل بانک‌های خصوصی به رعایت قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های نظارتی	۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۸	رد
۲	عدم‌تعریف بسترهای نظارتی و کیفری واحد جهت نظارت و رسیدگی حقوقی یکسان بر بانک‌های خصوصی و دولتی	۰/۰۲۱	۰/۰۵	۰/۶	رد
۳	عدم‌توجه نهاد ناظر و قانون‌گذار در بازار پول به اقتضائات بخش خصوصی در صنعت بانکداری	۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۹	رد
۴	تعارض قانون اجازه‌ی تأسیس بانک‌های خصوصی با برخی اصول قانون اساسی	۰/۰۴۶	۰/۰۵	۰/۶	رد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

شماره	چالش	سطح معنی‌داری	سطح خطا	درصد موافقت(تقریبی)	تأیید یا ردHO
۵	شبهه‌ی صدق قواعد «لا ضرر و «تسبیب» در فقه اسلامی در رابطه با موضوع اضافه برداشت بانک‌های خصوصی	۰/۰۰۰	۰/۰۵	۰/۸	رد

منبع: (محاسبات نویسندگان)

همان‌گونه که از خروجی آزمون دوجمله‌ای در جدول‌های (۱) و (۲) قابل مشاهده است، فرض صفر در رابطه با همه ۱۳ چالش فقهی- اقتصادی شناسایی‌شده رد شده و لذا تمامی چالش‌های استخراج‌شده مورد تأیید خبرگان بانکداری قرار گرفت.

در پرسشنامه دور سوم میانگین نمره یا امتیازی که خبرگان در دور دوم به هریک از گویه‌ها داده بودند در یک ستون درج گردیده و از خبرگان خواسته شد تا با توجه به میانگین امتیاز تخصیص‌یافته به هر گویه، در صورت نیاز، به اصلاح امتیازاتی که در دورهای قبل به هریک از گویه‌ها داده بودند بپردازند.

نتایج پرسشنامه دور سوم دلفی از طریق آزمون رتبه‌بندی فریدمن نیز مورد تحلیل قرار گرفت[۱۶]. هدف از این آزمون اطمینان یافتن از عدم اهمیت یکسان چالش‌های استخراج‌شده به‌عنوان لازمه معنی‌داری فرآیند رتبه‌بندی چالش‌ها و درنهایت رتبه‌بندی آن‌ها بوده است. فرضیه صفر آن بود که ازنظر خبرگان بانکداری، رتبه یا میزان اهمیت چالش‌ها با یکدیگر برابر است. در مقابل فرض جایگزین بر این مطلب تأکید داشت که حداقل رتبه دو چالش با یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارد. نتایج آزمون فریدمن در جدول‌های (۳) و (۴) ارائه شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن در رابطه با رتبه‌بندی چالش‌های اقتصادی- مالی

آمار محاسبه‌شده	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	سطح خطا	نتیجه آزمون
۲۲/۲۳۸	۷	۰/۰۰۲	۰/۰۵	رد H0

منبع: (محاسبات نویسندگان)

۱۶. روش اجرای آزمون فریدمن در نرم‌افزار SPSS:

Analyze ← Nonparametric Tests ← Legacy Dialogs ← K Related Samples

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جدول (۴): نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن در رابطه با رتبه‌بندی چالش‌های فقهی-حقوقی

آمار محاسبه‌شده	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	سطح خطا	نتیجه آزمون
۲۵/۹۴۲	۴	۰/۰۰۰	۰/۰۵	رد H0

منبع: (محاسبات نویسندگان)

نتایج فوق نیز حاکی از رد شدن فرض صفر در آزمون آماری اجراشده در دور سوم دلفی بوده و ثابت می‌کند که در هر دو گروه از چالش‌های شناسایی‌شده، هیچ دو موردی از دیدگاه خبرگان اهمیت یکسانی نداشته و لذا امر رتبه‌بندی برای هر دو گروه از چالش‌های فقهی-حقوقی و چالش‌های اقتصادی- مالی امری معتبر و معنادار است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

درنهایت نتایج رتبه‌بندی چالش‌ها و آسیب‌های فقهی- حقوقی و اقتصادی- مالی با استفاده از آزمون آماری فریدمن و مبتنی‌بر تحلیل نظرات خبرگان که در پرسشنامه‌ها منعکس‌شده است، به‌صورت ذیل در جدول‌های (۵) و (۶) ارائه می‌شود.

جدول (۵): رتبه‌بندی چالش‌های اقتصادی- مالی بانکداری بخش خصوصی در جمهوری اسلامی ایران (مبتنی‌بر نتایج آزمون فریدمن)

شماره	چالش	Mean rank	رتبه کسب‌شده
۱	ناکارآمدی در تخصیص منابع	۵/۶۹	۱
۲	عدم‌مشارکت سرمایه‌گذار خارجی در بانک‌های غیردولتی ایران	۳/۵۹	۸
۳	بنگاه‌داری و فعالیت اقتصادی مستقیم	۴/۷۵	۳
۴	عدم‌تأمین مالی یا سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی و بلندمدت	۴/۱۴	۶
۵	عدم‌توجه متوازن به حوزه‌های متنوع کسب‌وکار و پذیرش ریسک تمرکز قابل‌توجه	۳/۷۸	۷
۶	تحمیل تسهیلات تکلیفی به بانک‌های خصوصی	۵/۱۱	۲

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

شماره	چالش	Mean rank	رتبه کسب‌شده
۷	بازدهی بالاتر بازارهای موازی نسبت به بازدهی صنعت بانکداری تجاری متعارف	۴/۲۷	۵
۸	سرکوب دستوری نرخ سپرده و نرخ تسهیلات	۴/۶۷	۴

منبع: (محاسبات نویسندگان)

جدول (۶): رتبه‌بندی چالش‌های فقهی- حقوقی بانکداری بخش خصوصی در جمهوری اسلامی ایران (مبتنی‌بر نتایج آزمون فریدمن)

شماره	چالش	Mean rank	رتبه کسب‌شده
۱	عدم‌پایبندی کامل بانک‌های خصوصی به رعایت قوانین، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های نظارتی	۲/۹۱	۳
۲	عدم‌تعریف بسترهای نظارتی و کیفری واحد جهت نظارت و رسیدگی حقوقی یکسان بر بانک‌های خصوصی و دولتی	۲/۵۹	۴
۳	عدم‌توجه نهاد ناظر و قانون‌گذار در بازار پول به اقتضائات بخش خصوصی در صنعت بانکداری	۳/۸۹	۱
۴	تعارض قانون اجازه‌ی تأسیس بانک‌های خصوصی با برخی اصول قانون اساسی	۲/۲۷	۵
۵	شبهه‌ی صدق قواعد «لا ضرر» و «تسبیب» در فقه اسلامی در رابطه با موضوع اضافه برداشت بانک‌های خصوصی	۳/۳۴	۲

منبع: (محاسبات نویسندگان)

آنچه از نتایج نهایی این پژوهش قابل‌برداشت است آنکه چالش‌ها و آسیب‌های «ناکارآمدی در تخصیص منابع بانک‌های خصوصی»، «عدم‌توجه نهاد ناظر و قانون‌گذار در بازار پول به اقتضائات بخش خصوصی در صنعت بانکداری» و «شبهه صدق قواعد «لا ضرر» و «تسبیب» در فقه اسلامی در رابطه با موضوع اضافه برداشت بانک‌های خصوصی» به ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌های اقتصادی، حقوقی و فقهی باید

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

موردتوجه سیاست‌گذاران بازار پول ایران اسلامی قرارگرفته و با اولویت بالاتری برای ریشه‌یابی و رفع این چالش‌ها مطالعه و برنامه‌ریزی صورت گیرد.

پیشنهادها

در پایان به نظر می‌رسد با هوشمندسازی فرآیند نظارت بر تخصیص اعتبارات در شبکه بانکی و طراحی سامانه‌های جامع نظارت پویا در تخصیص اعتبارات باهدف رصد و کنترل پویا قبل و بعد از اعطای تسهیلات برای جلوگیری از کژگزینی و کژمنشی در بازار اعتبارات بسیاری از چالش‌های یادشده قابل مدیریت و کنترل است. همچنین بازنگری در آیین‌نامه‌های اجرایی مرتبط جهت کنترل و مدیریت حجم اضافه برداشت شبکه بانکی و طراحی برنامه‌ها و سامانه‌های مالیاتی نوین (شامل تعریف پایه‌های مالیاتی جدید و صدور برخی معافیت‌های مالیاتی) جهت هدایت هدفمند و به‌صرفه منابع بانکی از دیگر پیشنهادهای کارآمد در این حوزه خواهند بود. شایان ذکر است که در حوزه موجه‌سازیِ اقتصادی بسیاری از رفتارهای تخصیصیِ مدنظر سیاست‌گذار بازار پول، الگوگیری از سیاست‌های هدایت اعتبار می‌تواند کارآمد باشد. پرداختن پژوهشگران به چالش‌های انواع سه‌گانه‌ی بانک‌های غیردولتی که در این مقاله به آن‌ها اشاره‌شده و آسیب‌شناسی درآمدزایی، حاکمیت شرکتی و فضای حکمرانی هریک از انواع بانک‌های غیردولتی به تفکیک از دیگر پیشنهادهای پژوهشی نگارندگان این اثر است.

ملاحظات حقوقی

- پیروی از اصول حقوقی

تمامی اصول اخلاق در پژوهش در این مقاله رعایت شده است.

- تعارض منافع و اصول اخلاقی

بنابر اظهار نویسنده، این مقاله تعارض منافع ندارد.

بنابر اظهار نویسنده، این مقاله مستخرج از پایان‌نامه، رساله و طرح پژوهش نیست.

کتابنامه

۱. باقری، محمود؛ و سفیداری، سیاوش (۱۳۹۱). فرآیند گذار بانک‌ها از مالکیت دولتی به خصوصی با نظر به دلایل طرفداران دولتی و خصوصی بودن مالکیت در بانک‌ها، *برنامه‌ریزی و بودجه*. ۳(۱۷)، ۲۵-۵۱.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

2. Bagheri M; & Sefidari, S., (2012). The Process of Transition of Banks from State Ownership to Private Ownership with a View to the Reasons for State and Private Ownership in Banks, *Planning and Budgeting*, 3(17), 25-51. (In Persian)

۳. بهرامی، حمیدرضا؛ و علائی، رؤیا (۱۳۹۲). فرایند خصوصی‌سازی بانک‌ها در کشورهای همسان، *بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*. ۵(۱۳). ۱۷-۴۲.

4. Bahrami H, R; & Alai, R., (2012). The Privatization Process of Banks in Similar Countries, *Examining Economic Issues and Policies*. 5(13). 17-42. (In Persian)

۵. حیدری، محمدرضا؛ و فاطمی ورزنه، سید محمد (۱۳۹۵). بررسی عملکرد مالی بانک‌های خصوصی شده جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با بانک‌های اسلامی منتخب حوزه خلیج‌فارس. *مطالعات مالی و بانکداری اسلامی*، ۱(۲)، ۳۳-۶۲.

6. Heydari, M, R; & Fatemi Varzaneh, S, M., (2015). Investigating the Financial Performance of the Privatized Banks of the Islamic Republic of Iran and Comparing it with Selected Islamic Banks in the Persian Gulf. *Islamic Finance and Banking Studies*, 1(2), 33-62. (In Persian)

۷. خلیلی شورینی سیاوش (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در علوم انسانی* (چاپ پنجم). ایران، تهران: یادواره کتاب.

8. Khalili Shurini, S. (1386). *Research Methods in Humanities* (5th Edition). Iran, Tehran: Yadavare Kitab. (In Persian)

۹. خوراکیان، علیرضا؛ و تک‌روستا، حسین (۱۳۹۳). بررسی علل شکست خصوصی‌سازی در میان نهادهای مالی با توجه به الگوهای توسعه‌سازمانی. *اقتصاد پولی مالی*. ۹(۲۲). ۱۷۹-۲۰۴.

10. Khorakiyan, A, R; & Tekrosta, H., (2014). Investigating the Causes of Privatization Failure Among Financial Institutions According to Organizational Development Patterns. *Financial Monetary Economy*. 9(22). 179-204. (In Persian)

۱۱. سعیدی، علی؛ و میعادی، زهرا (۱۳۹۰). بررسی موانع عمده سرمایه‌گذاری خارجی در ایران از دیدگاه سرمایه‌گذاران خارجی. *پژوهشنامه اقتصادی*. ۱۱(۴۱). ۱۸۱-۲۰۰.

12. Saidi, A; & Miaadi, Z., (1390). Investigating the Major Obstacles to Foreign Investment in Iran from the Perspective of Foreign Investors. *Economic Research Paper*. 11(41). 181-200. (In Persian)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۱۳. شاهچراغ، سیدمحمدصادق (۱۳۹۹). *الزامات استفاده از سیاست هدایت اعتبار از منظر فقهی و مالی در نظام پولی و بانکی جمهوری اسلامی ایران* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران.

14. Shahcheragh, S, M, S., (2019). *The Requirements of Using Credit Management Policy from a Legal and Financial Point of View in the Monetary and Bbanking System of the Islamic Republic of Iran* (Master's Thesis). Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (In Persian)

۱۵. شهیکی تاش، محمدنبی؛ و آب‌یاری، زهره (۱۳۹۵). مقایسه کارایی بانک‌های واگذار شده در قالب اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قبل و بعد از واگذاری. *مطالعات مالی و بانکداری اسلامی*، ۱(۲)، ۱-۳۱.

16. Shahiki Tash, M; & Abayari, Z., (2015). Comparison of the Efficiency of Transferred Banks in the form of Article 44 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran Before and After the Transfer. *Islamic Finance and Banking Studies*, 1(2), 1-31. (In Persian.)

۱۷. کریمی وردنجانی، رضا؛ حسن‌زاده سروستانی، حسین؛ قوام، محمدحسین؛ غفاری، امیر (۱۳۹۹). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده به نگاهداری در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران و تبیین پیامدهای حاصل از آن، *تحقیقات مالی اسلامی*. ۱۰(۱۹)، ۳۷۷-۴۱۰.
DOI: 10.30497/ifr.2020.75396

18. Karimi Vardanjani, R., Hasanzadeh Sarvestani, H., Gavam, M. H., & Ghafari, A. (2020). Identifying and Ranking the Factors Affecting the Establishment of Entrepreneurship in the Banking System of the Islamic Republic of Iran and Explaining the Consequences. Scintific Journal of *Islamic Finance Researches* (IFR), 10(19), 377-410. doi: 10.30497/ifr.2020.75396 (In Persian)

۱۹. کمیجانی، اکبر (۱۳۸۲). *ارزیابی عملکرد سیاست خصوصی‌سازی در ایران*. ایران: وزارت امور اقتصاد و دارایی.

20. Komijani, A., (2012). Ev*aluation of the Performance of Privatization Policy in Iran*, Iran, Ministry of Economy and Finance. (In Persian)

۲۱. لشکری محمد؛ و هژبرالساداتی سیدمرتضی (۱۳۸۹). خصوصی‌سازی بانک‌ها و تأثیرات آن برافزایش کارایی و بهبود عملکرد بانک‌ها. *راهبرد توسعه*، ۶(۲۳)، ۱۳۵-۱۴۸.

22. Lashkari M; & Hejbralsadati, S, M., (2009). Privatization of Banks and its Effects on Increasing the Efficiency and Improving the Performance of Banks, *f Development Strategy*, 6(23), 135-148. (In Persian)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲۳. مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۸). فرآیند سیاست‌گذاری اقتصادی در شرایط رکود در آمریکا ۲۰۰۹-۲۰۰۷. *سیاست*، ۳۹(۱۵۶)، ۲۸۷-۳۰۵.

24. Mosli-nejad, A., (2008). The Process of Economic Policy-Making Under the Conditions of Recession in America 2007-2009, *Politics*, 39(156), 287-305. (In Persian)

۲۵. مرادی نرگس (۱۳۸۸). نقدی بر خصوصی‌سازی اخیر بانک‌ها. *بانک و اقتصاد*. ۹(۱۰۱). ۵۰-۵۷.

26. Moradi, N., (2008). A Critique on the Recent Privatization of Banks, *Bank and Economy*, 9(101), 50-57. (In Persian)

۲۷. طباطبایی لطفی، عصمت‌السادات؛ و روشنی، محمود (۱۳۹۴)، قاعده تسبیب و رابطه آن باقاعده اتلاف، *مطالعات فقهی و فلسفی*. ۷(۲۶)، ۷۳-۹۱.

28. Tabatabai Lotfi, E; & Roshni, M., (2014). Tasbib Rule and its Relationship with the Regularity of Waste, *Jurisprudential and Philosophical Studies*. 7(26), 73-91. (In Persian)

۲۹. نجفی‌خواه، محسن (۱۳۹۵). مرز میان بخش عمومی و بخش خصوصی در حقوق ایران با تأکید بر برنامه خصوصی‌سازی و برون‌سپاری، *برنامه‌ریزی و بودجه*، ۴(۲۱)، ۱۰۱-۱۳۳.

30. Najafikhah, M., (2015). The Border Between the Public Sector and the Private Sector in Iranian Law with an emphasis on the Privatization and Outsourcing Program, *Planning and Budgeting*, 4(21), 101-133. (In Persian)

۳۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۵۸).

32. The Constitution of the Islamic Republic of Iran (Approved in 1979). (In Persian)

۳۳. قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۱).

34. Civil Law of the Islamic Republic of Iran (Approved in 1982). (In Persian)

۳۵. قانون کار جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۹).

36. Labor Law of the Islamic Republic of Iran (Approved in 1990). (In Persian)

۳۷. قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۶).

38. Law on the Implementation of General Policies of Article 44 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran (Approved in 2006). (In Persian)

۳۹. قانون اجازه تأسیس بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیردولتی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۹).

40. The Law on Permitting the Establishment of Banks and Non-Governmental Credit Institutions of the Islamic Republic of Iran (Approved in 2000). (In Persian)

۴۱. قانون جامع پولی و بانکی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۵۱).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

42. Comprehensive Monetary and Banking law of the Islamic Republic of Iran (Approved in 1972). (In Persian)

۴۳. قانون عملیات بانکداری بدون‌ربا جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۶۲).

44. The Law of Interest-Free Banking Operations of the Islamic Republic of Iran (Approved in 1983). (In Persian)

۴۵. قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۴).

46. The Law on Removing Barriers to Competitive Production and Improving the Financial System of the Islamic Republic of Iran (Approved in 2014). (In Persian)

۴۷. قانون رسیدگی به تخلفات اداری جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۱).

48. The Law on Handling Administrative Violations of the Islamic Republic of Iran (Approved in 1992). (In Persian)

۴۹. آیین‌نامه نحوه تأسیس و اداره مؤسسات اعتباری غیردولتی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۳).

50. Regulations on How to Establish and Manage Non-governmental Credit Institutions of the Islamic Republic of Iran (Approved in 2013). (In Persian)
51. Andrews, A. M. (2005). State-owned Banks, Stability, Privatization, and Growth Practical Policy Decisions in a World Without Empirical Proof.
52. Berkowitz, D., Hoekstra, M., & Schoors, K. (2014). Bank Privatization, Finance, and Growth. *Journal of Development Economics*, *110*, 93-106.
53. Bonin, J. P., Hasan, I., & Wachtel, P. (2005). Privatization Matters: Bank Efficiency in Transition Countries. *Journal of Banking & Finance*, *29*(8-9), 2155-2178.
54. Glenn, J. C., & Gordon, T. J. (2009). The Millennium Project: Futures Research Methodology.
55. Kasperkiewicz, W., & Starzyńska, W. (1998). Privatization of State-owned Enterprises in Poland. *International Advances in Economic Research*, *4*(1), 16-23.
56. Moore, D., & Zajc, P. (2000). Implementing Bank Privatisation in Slovenia. *MOST: Economic Policy in Transitional Economies*, *10*, 27-54.
57. Nakane, M. I., & Weintraub, D. B. (2005). Bank Privatization and Productivity: Evidence for Brazil. *Journal of Banking & Finance*, *29*(8-9), 2259-2289.
58. Tapio, P. (2003). Disaggregative Policy Delphi: Using Cluster Analysis as a Tool for Systematic Scenario Formation. Technological Forecasting and Social Change, 70, 64-94.
59. Ryan-Collins, J., Greenham, T., Werner, R., & Jackson, A. (2012). Where Does Money Come from. *London: New Economics Foundation. Pg*, *7*.
60. Retrieved from www.tsetmc.com

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

61. Retrieved from www.codal.ir
62. Retrieved from www.CBI.ir
63. Retrieved from www.rc.majlis.ir

Archive of SID.ir